

نسبت تغییر رژیم سیاسی با سبک زندگی؛ مطالعه موردی سیاست‌های آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران

حجت‌الله نوری ساری*

چکیده

سبک زندگی یکی از دغدغه‌های اصلی اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی و عرصه فرهنگی است؛ با این وجود به دلیل بطنی بودن فرآیند تغییر سبک زندگی، تحلیل‌گران سیاسی و امنیتی کمتر به این مقوله به مثابه یک عامل راهبردی و امنیتی می‌نگرند. از این رو مقاله حاضر به رابطه میان تغییر سبک زندگی و تغییر رژیم سیاسی می‌پردازد که در آن بر سیاست‌های دولت آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران تأکید می‌شود. پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از: «نسبت میان تغییر سبک زندگی با تغییر رژیم سیاسی چیست و چگونه دولت آمریکا از مجازی دستکاری در الگوی زندگی ایرانیان، تغییر نظام سیاسی در ایران را دنبال می‌کند؟». بررسی‌ها نشان می‌دهد فرآیند تغییر سبک زندگی شکل جدیدی از ذوات اجتماعی در میان توده مردم و حتی بخش نخبگانی جوامع تولید می‌کند. در نتیجه با ظهور خواسته‌های سیاسی جدید و تصدی‌گیری سیاستمداران معتقد به الگوهای نوظهور، نظام سیاسی با تجدید نظر در روند سابق خود، در مسیر تغییر رژیم سیاسی قدم می‌گذارد.

واژگان کلیدی

سبک زندگی، قدرت نرم، تغییر نظام سیاسی، آمریکا، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

جوزف ساموئل نای^۱ تئوریسین آمریکایی حوزه جنگ نرم و دیپلماسی عمومی، ۲۰ ژوئن ۲۰۱۰ م در جلسه آغازین پارلمانی شورای فرهنگی انگلستان مطالبی را با عنوان «قدرت نرم و دیپلماسی عمومی در قرن ۲۱» ارائه کرده و گفت:

در گذشته کشورهای آتلانتیک قدرت هوشمند را از طریق جنگ سرد و با به کار گرفتن هر دو قدرت سخت و نرم اعمال می‌کردند. قدرت سخت ما تهاجم شوروی را متنفی ساخت، اما این قدرت نرم ما بود که اصول کمونیسم را در پس پرده آهنی^۲ نگاه داشت. فروریختن دیوار برلین^۳ بر اثر آتش توپخانه نبود، بلکه بر اثر ضربه چکش‌ها و بلدوزرها بود. این حادثه مثال بسیار حائز اهمیتی است. (نای، ۲۰۱۰: ۷۸)

درواقع از نگاه نای آنچه دیوار برلین را به‌عنوان نماد جنگ سرد، که به پرده آهنین هم شهرت داشت، از بین برد، نه نیروی نظامی و قدرت سخت بلکه خواست و اراده مردم آلمان شرقی بود که در ماه نوامبر سال ۱۹۸۹ ناقوس شکست اندیشه‌های کمونیستی و سیاست‌های حاکم بر اتحاد جماهیر شوروی را در آلمان به صدا در آورد.

از این رو مقاله پیشرو در چارچوب قدرت نرم، ضمن تبیین چستی سبک زندگی، نحوه تغییر در نظام‌های سیاسی از طریق مداخله، دست‌کاری و تغییر الگوی زندگی ایرانیان را تشریح می‌کند. به عبارت دیگر، مسئله اصلی این پژوهش آن است که چگونه از مسیر دگرگون‌سازی و دست‌کاری در شیوه زیستن افراد جامعه ایران، رژیم سیاسی آن تغییر هویت خواهد داد و این فرآیند چه مراحل را پشت‌سر می‌گذارد. از میان روش‌های پژوهش، روشی که برای مقاله حاضر مناسب به‌نظر می‌رسد، روش تحقیق تحلیلی - توصیفی است. همچنین به‌منظور کسب داده‌های لازم و جمع‌آوری آنها، از منابع موجود (کتابخانه‌ای) استفاده می‌شود. به‌نظر می‌رسد چارچوب نظری مناسب برای فهم نقش تغییر سبک زیست جوامع در تغییر بدون خشونت رژیم‌های سیاسی، نظریه قدرت نرم جوزف نای است که بر پایه آن، تأثیر مؤلفه‌های بنیادین الگوی زندگی در تعیین مسیر نظام‌های سیاسی به شکل بهتری تحلیل می‌شوند.

چارچوب نظری

هرچند بسیاری طرح ایده قدرت نرم را هم‌زمان با انتشار کتاب جوزف نای تحت عنوان *منتهد به رهبری*:

1. Joseph Samuel Nye Jr.
2. Iron Curtain.
3. Berlin Wall.

تغییر ماهیت قدرت آمریکا^۱ می‌دانند اما خود نای بر این باورست که «قدرت نرم مفهوم جدیدی نیست و همان رفتار انسانی است». (نای، ۲۰۱۰: ۹۷) علاوه بر این، نای در مورد چگونگی طرح مجدد مفهوم قدرت نرم در حوزه سیاست می‌گوید:

این عبارت را وقتی که در سال ۱۹۹۰ در حال نگارش کتابی بودم، وضع کردم؛ در آن کتاب تلاش می‌کردم تشریح کنم چرا به نظر من قدرت ایالات متحده رو به زوال نمی‌نهد. قدرت نظامی و اقتصادی را به مباحث خود اضافه کردم اما احساسم این بود که چیزی کم است. بخش گم شده، توانایی یک کشور بود در تحصیل خواسته‌های خود از طریق جاذبه، نه اعمال زور و کیفر. من این جاذبه را «قدرت نرم» نامیدم. (نای، ۲۰۱۰: ۸۷)

درواقع مقصود نای از قدرت نرم، قدرت و توانایی اثرگذاری بر دیگران برای بدست آوردن پیامد مطلوب است. وی بر این باور است که از سه راه، اعمال قدرت صورت می‌گیرد: از راه تهدید، از راه تطمیع، از راه جذب که دیگران را وادار می‌کند آنچه شما دوست دارید، دوست بدارند. به همین دلیل وی معتقد است:

هنگامی که سروکار ما با قدرت نرم است، برخلاف قدرت سخت، اینکه در فکر مخاطب هدف چه می‌گذرد، بسیار اهمیت می‌یابد. (نای، ۲۰۱۰: ۱۰۲)

درواقع قدرت نرم جوزف نای دربردارنده معنای ذیل است:

توانایی جذب دیگران به گونه‌ای که آنها چیزی را بخواهند که شما می‌خواهید. توانایی جلب نظر دیگران، توانایی تغییر ترجیحات دیگران در انتخاب‌هایشان است، به طوری که نتایج مد نظرشان، نتایج دلخواه دیگری باشد. (Rothman, 2011: 51)

در تعبیری نزدیک به همین معنا نیز قدرت نرم، توانایی بر آن چیزی است که شما می‌خواهید از طریق جاذبه به جای اجبار به دست آورد. این به دلیل جذابیت فرهنگ، آرمان‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور است. هنگامی که سیاست‌های ما در نظر دیگران مشروع می‌شود و قدرت نرم ما افزایش می‌یابد. (Ibid)

ذکر این نکته ضروری است که این تلاش‌ها بر گروهی از کشورهای هدف متمرکزند که برای منافع دولت بسیار پر اهمیت هستند و به گونه‌ای طراحی می‌گردد تا از سوی کسانی به ساده‌ترین راه تحت تأثیر قرار می‌گیرند، درک شوند. (Leonard and Small and Rose, 2005: 38 - 39)

1. Nye, Josephs, 2004, Bound to Lead: The Changing Nature of American Power, Public Affair?.

نای در کتاب **آینده قدرت**، از سه جنبه یا وجه قدرت نرم با عناوین «تعیین دستور کار یا چارچوب‌دهی»، «جذابیت»، و «متقاعدسازی» نام می‌برد. جذب، پیچیده‌تر از آن است که ابتدا به نظر می‌رسد؛ جذب می‌تواند به جلب نظر - خواه مثبت و خواه منفی - و همچنین ایجاد اثرات جلب‌کننده یا مثبت جذب‌کننده همانند مغناطیسم یا کشش جاذبه اشاره کند. (نای، ۱۳۹۰: ۱۵۲) خیرخواهی، قابلیت و زیبایی (کاریزما / شکوه) سه شاخه جذب معرفی می‌شوند که شاخصه زیبایی یا کاریزما باعث الهام‌بخشی و پایبندی می‌گردد. (همان: ۱۵۳) متقاعدسازی، ارتباط نزدیکی با جذب دارد که عبارت است از به‌کارگیری استدلال برای نفوذ بر عقاید و اقدامات دیگران بدون تهدید به زور یا قول پرداخت نقدی. در متقاعدسازی، استدلال منطقی متکی به حقایق، باورهای عامیانه و فرض‌های تجویزی به شیوه‌های جذاب با چارچوب‌دهی مسائل و استفاده از جذابیت‌های عاطفی آمیخته می‌شود. (همان: ۱۵۴)

مهم‌ترین مسئله در خصوص قدرت نرم «شیوه عملکرد» آن است که جوزف نای در یک تقسیم‌بندی کلی آن را ذیل دو مدل تعریف می‌کند: «مستقیم و غیر مستقیم. در مدل مستقیم، بحث از ارتباط میان نخبگان است. یک نخبه جذب دیگری می‌شود و کاری را برای آنها انجام می‌دهد و از این دست امور. با این حال بیشتر اوقات، عملکرد قدرت نرم را در مدلی دو مرحله‌ای می‌یابیم. شما می‌کوشید به‌منظور تأثیرگذاری بر حکومت یک کشور، بر افکار عمومی جامعه آن کشور تأثیر بگذارید. این شیوه‌ای غیرمستقیم است. (نای، ۲۰۱۰)

بر این مبنای نسبت تغییر نظام سیاسی با سبک زندگی در چارچوب نقش‌آفرینی دو مدل مستقیم (نخبگان) و غیرمستقیم (افکار عمومی جامعه) بررسی می‌شوند. براساس آنچه که در این مقدمه گفته شد فهم، تبیین و تحلیل رابطه تغییر رژیم سیاسی با الگوی زندگی جوامع، در چارچوب نظریه قدرت نرم امکان‌پذیر است.

چیستی سبک زندگی

مفهوم سبک زندگی یا الگوی زیستن^۱ همانند سایر مفاهیم موجود در حوزه علوم انسانی در تعریفی واحد یکسان منحصر نشده است و اندیشمندان مختلف تعابیری متفاوت اما نزدیک به یکدیگر از آن ارائه کرده‌اند. همچنان‌که «مک کی^۲ سبک زندگی را الگویی برآمده از ارزش‌ها و باورهای مشترک یک گروه یا جامعه می‌داند که به‌صورت رفتارهای مشترک ظاهر می‌شود ... بوردیو^۳ سبک زندگی را فعالیت‌های

1. Lifestyle.

2. Mc kee, J, B.

3. Pierre Bourdieu.

نظام‌مندی می‌داند که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می‌شوند و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارند و در عین حال به صورت نمادین به فرد هویت می‌بخشند و میان اقشار مختلف اجتماعی تمایز ایجاد می‌کنند. (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۶: ۲۰۷) در واقع از نظر پی‌یر بوردیو «سلیقه یعنی گرایش و توانایی تصرف (مادی و نمادین) مقوله معینی از ابره‌ها یا اعمال طبقه‌بندی شده و طبقه‌بندی کننده، ضابطه زاینده سبک زندگی است، مجموعه متحدی از ترجیح‌های تمایزبخش که قصد ابزارگری واحدی را در منطقه خاص هر خرده فضای نمادینی مانند مبلمان، پوشاک، زبان یا حرکت‌های بدنی به نمایش می‌گذارد. (عبداللهیان و حسینی‌فر، ۱۳۹۱: ۴۱)

برخی نیز از منظر هستی‌شناسی، آن را شامل اوقات فراغت، الگوهای تفریحی (به معنای مجموعه اموری که فرد با رضایت خاطر برای استراحت یا تفریح بعد از رهایی از الزامات بدان می‌پردازد)، الگوی مصرف در ابعاد مختلف مانند مصرف کالا و مصرف رسانه‌ای و هویت متشکل از این مؤلفه‌ها معرفی می‌نمایند. (خانی، ۱۳۹۴: ۱۴۸)

دکتر سعید مهدوی‌کنی نیز در یک جمع‌بندی مهمترین ویژگی سبک زندگی را این‌چنین تبیین می‌کند:

شکل‌گیری آن حول محور گرایش‌ها (تمایلات، ترجیح‌ها) یا آنچه «ذوق و سلیقه» خوانده شده. به عبارت دیگر، سبک زندگی، الگو یا مجموعه‌ای از رفتارها، وضع‌ها و دارایی‌هایی است که ناشی از سلیقه باشد. از این‌رو، در الگو یا مجموعه‌ای که در آن ترجیح و تمایلی مطرح نباشد، بحث از سبک زندگی معنا ندارد. (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۶: ۲۲۵)

وقتی در تبیین سبک زندگی واژگانی چون تمایلات، ترجیح‌ها و سلیقه را به کار می‌بریم بدان معناست که «امکان تغییر و انتخابی بودن» الگوی زندگی را تأیید کرده‌ایم. از سوی دیگر تغییر در سلائیق و ذائق که می‌تواند خودخواسته یا نتیجه مداخله عاملی بیرونی باشد، بستری برای تحول در سبک زندگی است. به عبارت دیگر به دلیل آنکه مدل زندگی افراد و جوامع تابعی از سلائیق و تمایلات آنهاست، با دست‌کاری سلیقه‌ها توسط عوامل مداخله‌گر، سبک زندگی فرد و جامعه تغییر مسیر می‌دهد یعنی همان امری در تعریف قدرت نرم از آن به عنوان «توانایی تغییر ترجیحات دیگران» یاد شد.

هژمونی فرهنگی

یکی از ابزارهای اصلی بازیگران فرامنطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ به‌منظور تأمین منافع ملی‌شان در کشورهای هدف، استفاده از آن چیزی است که سلطه یا هژمونی فرهنگی نامیده می‌شود. به دلیل مؤلفه‌های مشترک میان هژمونی فرهنگی و قدرت نرم همچون «تحصیل خواسته‌ها با جاذبه» می‌توان

این هر دو را به یک معنا دانست. در سلطه فرهنگی تلاش می‌شود تا مطالبات مدنظر از طریق تغییر ذوائق و سلیقه‌ها در فرآیندی میان‌مدت یا درازمدت با کمترین تنش و بحران محقق گردد.

هم‌چنان‌که در غالب فرهنگ آمریکایی نیز نشانه‌هایی از سلطه‌گری فرهنگی ایالات متحده را می‌توان دید. مردم در سراسر جهان با توسعه گفتمان آمریکایی جهانی شدن، داوطلبانه به موسیقی آمریکایی پاپ، فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی هالیوود، مجلات، مد شهری، هنر، معماری و غذاهای آماده (فست فود) جذب شده‌اند. به همین علت برخی به نفوذ فرهنگی فراگیر آمریکا تحت عنوان مک دونالدیسم شدن فرهنگ^۱ اشاره دارند. اما سلطه‌گری ایالات متحده در حوزه اندیشه فراتر از تأثیرات فرهنگی آن است. هژمونی آمریکا همچنین در رژیم‌های بی‌شماری (همچون اصول، هنجارها، قوانین و فرآیندهای تصمیم‌گیری) که در گوشه‌های مختلف جهان اجرا می‌شود تبلور یافته است. (Knight, 2014: 8)

جنبه معناساز فرهنگ، چنین جلوه می‌دهد که چرا آمریکا تسلط در حیطه فرهنگی را اجتناب‌ناپذیر می‌یابد؛ چراکه همسویی ارزشی به معنای تفسیر واحد از پدیده‌هاست و زمانی که ارزش‌های همسو با کشور آمریکا در سایر نقاط جهان رخنه کند به دنبال آن تفاسیر همسو با استنباط دولتمردان و نخبگان آمریکا در ارزیابی پدیده‌ها به وجود می‌آید و این به مفهوم یکپارچگی ارزشی و به دنبال آن از بین بردن ارزش‌های بومی و محلی است که خود مؤید طلوع یک اقتدار همه‌گیر جهانی است. به عبارت دیگر اینکه در ساختار معنایی نظام سلطه آمریکا، مشروعیت‌بخشی و مقبولیت‌سازی در حیطه‌های گوناگون فرهنگ، در هالیوود بسته‌بندی می‌شود و این همان چیزی است که فوکو در زمان صحبت از کنترل در نظر دارد (دهشیار، ۱۳۸۱: ۸۳)

درواقع دولت آمریکا تلاش دارد تا با بهره‌گیری از ابزاری مانند هالیوود، با معناسازی در حوزه فرهنگ، سلطه فرهنگی خود را به جوامع هدف همچون جمهوری اسلامی ایران تحمیل کند؛ این معناسازی با تغییر در مؤلفه‌های سبک زندگی یا همان ساخت سلايق و ذوائق جدید برای افراد و جوامع عملی می‌شود. اما اینکه چگونه از مسیر دگرگون‌سازی و دست‌کاری الگوی زندگی افراد یک جامعه، رژیم سیاسی آن تغییر هویت خواهد داد، تابع فرآیندی است که بدان اشاره می‌شود.

تغییر سبک زندگی برای تغییر رژیم^۲

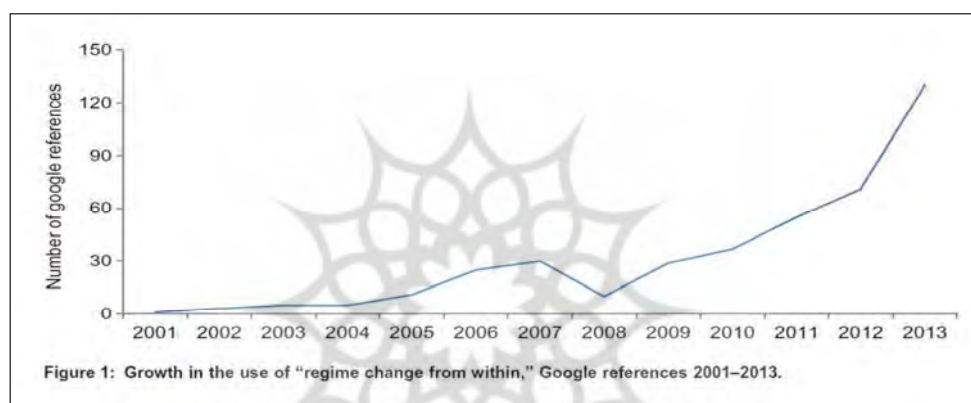
چنان‌که پیشتر گفته شد در این پژوهش، تقسیم‌بندی جوزف نای از قدرت نرم مبنا قرار می‌گیرد. در روش مستقیم هدف همراه نمودن طبقه نخبگان یک جامعه از طریق فرآیند جذب و جلب‌نظر آنهاست اما در روش غیر مستقیم جامعه هدف، افکار و اذهان عمومی یک کشور است.

1. The McDonalozation of Culture.
2. Regime Change.

۱. طراحی برای تغییر باورها؛ ارائه یک الگو

نخستین گام برای تغییر یک رژیم از طریق استحاله فرهنگی یا تغییر سبک زندگی، طراحی برنامه‌ای جامع برای ارائه الگویی جدید است که از سوی یک بازیگر خارجی و تحت عناوینی چون دیپلماسی عمومی، تغییر رژیم از داخل، و یا ترویج ارزش‌های جهانی انجام می‌شود.

تغییر رژیم از درون^۱ یکی از سیاست‌هایی است که در طی چند سال گذشته بیش از گذشته مورد توجه مقامات و سیاست‌گذاران غربی قرار گرفته است. چنان‌که بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۳ استفاده از این عبارت در مقالات و پژوهش‌های علمی روندی تصاعدی داشته است؛ به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۹ میزان ارجاعات علمی به این مفهوم شتابی مضاعف گرفته است. (Ibid: 387)



نمودار رشد استفاده عبارت «تغییر رژیم از درون» در منابع گوگل بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۳
(Sheehan, 2014: 387)

البته بررسی‌ها نشان می‌دهند آنچه که مدنظر نویسندگان این مقالات علمی و کتب بوده است ترکیبی از روش‌های نرم (نافرمانی مدنی) و نیمه سخت (تحریم و فشار خارجی) بوده است که در برخی از آنها میزان از خشونت نیز توصیه شده است. چنان‌که گریگوری اسکالت^۲ دبیر اجرایی سابق شورای امنیت ملی آمریکا در مقاله‌ای با عنوان «تغییر رژیم بدون نیروی نظامی: درس‌هایی از سرنگونی میلوشویچ» راه‌کارهای زیر را پیشنهاد می‌کند:

- ارزیابی دقیق اطلاعات در مورد رژیم، حامیان آن و آسیب‌پذیری‌های آن؛

- شناسایی و نابودی پایه‌های اصلی قدرت (به‌عنوان مثال پلیس، رسانه‌های دولتی، همکاران نزدیک)؛

- حمله به مشروعیت رژیم از طریق انزوای بین‌المللی و عملیات‌های اطلاعاتی؛

1. regime change from within.

2. Gregory L. Schulte.

- تضمین گسترده‌ترین حمایت ممکن بین‌المللی؛ به‌ویژه برای رژیم‌هایی که می‌توان نشان داد انجام تغییر رژیم، انزوای بین‌المللی را از بین می‌برد و منافی را برای کشور هدف به ارمغان می‌آورد؛
- کمک به مخالفین برای رسیدن به وحدت، شناسایی نقاط ضعف رژیم، برقراری ارتباط عامه جامعه هدف، و گسترش عملیات‌هایش؛

- همکاری یا به حاشیه راندن عوامل مخرب بالقوه؛ چه رهبران مخالف و چه قدرت‌های خارجی؛
- متقاعد کردن فرد حاکم مبنی بر اینکه ترک قدرت برای او و خانواده‌اش از اینکه در قدرت بماند، امنیت بیشتری به همراه می‌آورد و / یا متقاعد کردن اطرافیان به منظور آنکه ترک قدرت از سوی فرد حاکم برای بقایای سیاسی، اقتصادی یا شخصی ضروری است؛
- مسدود کردن منابعی که حکومت برای برانگیختن جمعیت، تضعیف مخالفان یا شکستن انسجام بین‌المللی از آن بهره می‌گیرد؛

- هدایت یک تلاش بین‌المللی، هماهنگی فعالیت‌های دیگران، استفاده از دانش و نفوذ خودشان؛
- آمادگی بیشتر برای انتقال سریع به سوی یک دولت دموکراتیک، از طریق گسترش شناخت، ارائه کمک، لغو تحریم‌ها، از سوی دیگر کمک به ایجاد مشروعیت در داخل و خارج کشور؛
- پیگیری و نمایش حمایت دو حزب داخلی ایالات متحده برای دلسرد کردن رژیم؛ (Schulte, 2013: 52)
با این حال پیشنهادها اسکالت برای تغییر رژیم تا زمانی که بسترهای داخلی آن همچون نارضایتی عمومی، ناکارآمدی رژیم، و احساس عدم اصلاح سیستم مهیا نباشد، چندان موفق نخواهد بود. به همین سبب در کنار مفهوم قدرت نرم، مفهوم دیگری به نام دیپلماسی عمومی^۱ شکل گرفته تا در قالب آن، افکار عمومی، مهندسی و جهت‌دهی شوند. تغییر افکار عمومی، اعتقادات، رفتار، انتظارات، دیدگاه‌ها، و مانند آن در حمایت از سیاست خارجی دولت‌ها با تأثیرگذاری انجام می‌شود. چنان‌که جوزف نای معتقد است:

منابع قدرت نرم اغلب به‌طور غیرمستقیم از طریق شکل‌دهی محیط برای سیاست کار می‌کنند، و گاهی اوقات سال‌ها طول می‌کشد تا نتایج مورد نظر را ارائه کنند.
(Pratkanis, 2009: 112 - 113)

در سند راهبرد امنیت ملی آمریکا نیز همین رویکرد اعمال شده است. این سند با معناسازی و تعاریف خاص، یکی از ضرورت‌های دولت ایالات متحده برای رهبری مؤثر جهان را چیزی معرفی می‌کند که خود «ترویج ارزش‌های جهانی» می‌نامد:

آمریکا برای رهبری مؤثر در جهانی که تغییرات سیاسی قابل‌توجهی را تجربه می‌کند،

باید براساس ارزش‌های خود زندگی کند، درحالی‌که به ترویج ارزش‌های جهانی در خارج از کشور نیز می‌پردازد. از غرب آسیا و اوکراین گرفته تا جنوب شرقی آسیا و قاره آمریکا، شهروندان در تلاش برای به‌دست آوردن آزادی بیشتر و مؤسسات پاسخ‌گوتر و قدرتمندتر هستند. (سند راهبرد امنیت ملی آمریکا، ۲۰۱۵: ۱۹)

یکی از مناطقی که همواره مورد توجه قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوده و آنها برای مدیریت افکار عمومی‌اش سرمایه‌گذاری فراوانی کرده‌اند منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا موسوم به خاورمیانه است. نویسنده مقاله «قدرت نرم آمریکایی و دیپلماسی عمومی در جهان عرب»^۱ در این باره می‌نویسد: از زمان جنگ جهانی دوم، دولت ایالات متحده به‌طور سیستماتیک به‌دنبال استفاده از قدرت نرم خود در جهان عرب با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف برای رسیدن به این مخاطبین بوده است ... استفاده از قدرت نرم همیشه عنصر مرکزی تلاش‌های دیپلماسی عمومی ایالات متحده در جهان عرب بوده است، اما تغییر در محیط اقدام منجر به تغییر در رویکردها شده است. (Rugh, 2016: 2) به‌طوری‌که ادوارد پی. جرجیان^۲ در سال ۲۰۰۳ در گزارش راهبردی با عنوان «تغییر اذهان برنده صلح: مسیری استراتژیک جدید برای دیپلماسی عمومی ما در جهان عرب و مسلمان»^۳ با تأکید بر امر آموزش و ترویج ارزش‌های آمریکایی، نوشت:

ما تأکید می‌کنیم که در تمام تلاش‌های دیپلماسی عمومی، ایالات متحده متوجه شده است که بهترین راه برای دریافت پیام ما در سراسر دنیا اغلب به‌طور مستقیم است در مقایسه با کانال‌های رسمی دیپلماتیک. (Djerejian, 2003: 14 - 15)

این‌گونه از رویکردها و برنامه‌ریزی‌ها برای تغییر سبک زندگی در سایه مجموعه‌ای اقدامات محقق می‌شود که مهمترین آنها شامل فعالیت‌های علنی اطلاع‌رسانی (مانند شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی مورد حمایت دولت، و برنامه‌های تبادل فرهنگی و آموزشی)، عملیات مخفی جنگ روانی تحت هدایت سازمان‌های اطلاعاتی، و اقدام‌های سازمان‌های به‌ظاهر مستقل (مانند بنیاد وقف ملی برای دموکراسی که بودجه آنها را دولت آمریکا تأمین می‌کند) است. (ایزدی، ۱۳۹۰: ۱۳۵ - ۱۳۴)

۲. تربیت جامعه نخبگانی

پس از طراحی الگویی جدید برای ارائه به جوامع هدف که می‌بایست سبک زندگی موجود را به‌تدریج به چالش کشیده و به‌عنوان نسخه جایگزین به نخبگان و افکار عمومی معرفی شود، اولین گروهی که با

1. American soft power and public diplomacy in the Arab world.

2. Edward P. Djerejian.

3. Changing Minds Winning Peace: a new strategic direction for us public diplomacy in the Arab & Muslim world.

توجه به مدل جوزف نای در اولویت قرار خواهند داشت، نخبگان جامعه و افرادی هستند که نفوذ کلام و قدرت اثربخشی بیشتری را در کشور خود دارند.

به‌همین منظور جوانانی از سراسر جهان که به‌طور فزاینده‌ای در سطوح عمیق جوامع خود مشارکت دارند و در حال پیوستن به بنیان‌های جهانی هستند شناسایی و از آنها دعوت می‌شود تا در دوره‌های آموزشی با عنوان «برنامه‌های ابتکار رهبران جوان»^۱ حضور یابند. در این برنامه تمرکز اصلی بر شناسایی جوانان متخصصی است که تغییرات در حوزه‌های دیپلماسی عمومی، جامعه مدنی و کارآفرینی را در مناطق بحرانی برای سیاست خارجی ایالات متحده راهبری می‌کنند. مجریان این طرح قصد دارند تا مهارت‌های رهبری مشارکت‌کنندگان را به‌منظور ایجاد تغییر در جوامع هدف افزایش دهند. (Brown and Hensman and Bhandari, 2015: 44)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، مقامات آمریکایی در پی آن بودند که همین سیاست را در قبال نخبگان ایرانی دنبال کنند تا از طریق مناسبات علنی و خصوصی نخبگان آمریکایی با شخصیت‌های برجسته علمی و اجرایی ایرانی، نگرش‌های مدنظر را منتقل کنند، چنان‌که در یکی از اسناد محرمانه لانه جاسوسی آمریکا به صراحت عنوان شده است که:

شخصیت‌های کشوری و علمی که به‌طور دقیقی انتخاب شده‌اند از ایران دیدن نمایند. در صورت امکان این ملاقات‌ها به‌طور خصوصی ترتیب داده خواهد شد. افراد انتخاب‌شده باید معتبر بوده و خصوصیت‌شان با شرایط فعلی ایران متناسب باشد. از دانشمندان و شخصیت‌های علمی اسلامی و در صورت امکان از شخصیت‌های مذهبی دعوت نموده تا در مراسم برگزاری جشن‌های هجرت در آمریکا حضور یابند. در این جریان‌ها باید از نمایندگان مشابه سایر کشورهای اسلامی نیز دعوت به عمل آورد تا بر جنبه چند ملیتی بودن مراسم تأکید شود. امر نظارت باید به‌طور خصوصی انجام گرفته به‌طوری‌که کمیته برگزاری جشن هجرت نقش اساسی را بازی کند. با مؤسسات خصوصی از قبیل «بنیاد جانسون» و یا سمینارهای تشکیل شده از طریق دانشگاه‌ها از جمله «مرکز شرق و غرب» مذاکره شده و از شخصیت‌ها و گروه‌های علمی ایران دعوت شده، تا در آمریکا گرد آمده و موضوعات غیر بحث‌انگیز را مورد گفتگو قرار دهند. (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۸۶: ۱ / ۲۰۱ - ۲۰۰)

در همین سند ذکر شده است که:

زمینه‌های مساعد به‌منظور ایجاد و یا تجدید روابط عبارتند از ایران‌شناسی، علوم

1. The Young Leaders Initiative programs.

انسانی، علوم تجربی، آموزش زبان انگلیسی و امور ورزشی. یکی از برنامه‌هایی که هنوز ادامه دارد اگرچه در سطح و مقیاس کمی می‌باشد، حرکت یک طرفه ایرانیان به ایالات متحده است که یکی از کارهای کمیسیون فولبرایت می‌باشد. ایالت متحده باید حمایت‌های مالی خود را از این عملیات ادامه داده و نیز به ایجاد روابط بنیادی و نهادی بین بخش خصوصی و عمومی در زمینه آموزش و پرورش در هر دو کشور اقدام ورزد. همچنین فعالیت‌های قانونی برنامه‌ریزی شده در مورد مؤسسه آمریکایی برای مطالعات ایران‌شناسی باید تقویت گردد. (همان: ۲۰۰)

علاوه بر این وزارت امور خارجه آمریکا و آژانس ارتباطات بین‌المللی در نظر داشتند:

استادان آمریکایی (ایران‌شناسی) را به ایران بفرستند و آنها می‌توانند روابط مخصوصی با عناصر محافظه‌کار مذهبی برقرار کنند. (همان: ۲۰۳)^۱

درواقع بخشی از نخبگان و عناصری که پتانسیل رشد و پیشرفت در آنها وجود دارد، به‌طور مستقیم برای القای بینش‌ها و فراگیری مهارت‌های لازم، انتخاب و دست‌چین می‌شوند. چنان‌که تارا ساننشاین^۲ معاون وقت دیپلماسی عمومی وزارت خارجه آمریکا طی سخنانی در مرکز شهروندی جهانی درباره این فرآیند گفت:

دانشجویان خارجی که به ایالات متحده می‌آیند نیز به ما کمک می‌کنند. این دانشجویان فارغ از تابعیت‌شان و یا اینکه از کدام کشور آمده‌اند، افرادی تأثیرگذارند و خود مجذوب نحوه زندگی و فرهنگ دیگران می‌شوند. احتمال ایجاد مشارکت در گروه‌های ورزشی بیشتر می‌شود که خود موجب مفاهمه فرهنگی بیشتری خواهد شد. این دانشجویان قادر خواهند بود تا جوامع و اقتصاد خود را بازسازی کنند ... و به احتمال زیاد به شرکای ما در سرتاسر جهان تبدیل می‌شوند. این مسئله به ایمنی و امنیت بیشتر شهروندان ما منجر خواهد شد. (ساننشاین، ۱۳۹۲: www.psyop.ir)

۱ در یکی از اسناد لانه جاسوسی به تاریخ ۱۳۵۸/۷/۴ نماینده آژانس ارتباطات بین‌المللی آمریکا (ICA) در مورد دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران عنوان می‌کند: «شناسایی محتاطانه امکانات اضافی به‌منظور ایجاد ارتباط بین آمریکا و ایران در زمینه دیپلماسی عمومی، در ظرف ۵ ماه آینده کاملاً ضروری است. به‌عنوان یک راهنمای عملی، ما سعی خواهیم کرد که روابط بین مؤسسات و نهادها، یک تصویر کلی از ارتباطات را که در تاریخ ۷ سپتامبر [۱۹۷۹] مورد تأیید قرار گرفت، تشویق نماییم. این‌گونه تماس‌ها بر روی روابط دو جانبه استوار و تأکید خواهند شد. در این لحظه از زمان، باید متوجه بود که بسط و توسعه این‌گونه روابط بستگی به ایجاد یک جو حاکی از اعتماد و احترام می‌باشد. در مراحل اولیه، ایجاد روابط دوستانه و تفاهم بین اشخاص به‌طور انفرادی و شخصی حائز اهمیت فراوان می‌باشد. از طریق چنین تماس‌های شخصی به‌دقت روابط بین نهادها و مؤسسات به وجود آمده، که این روابط به سهم خود می‌توانند روابط متقابل پیشرفته‌تر را استحکام بخشند». (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۸۶: ۱ / ۲۰۰)

2. Tara Sonenshine.

وی نتیجه این تربیت نخبگانی را چنین توصیف می‌کند:

زمانی که ما به دانشجویان خارجی کمک می‌کنیم تا مهارت‌های کسب پیشرفت و امنیت را یاد بگیرند و ارتباطات شخصی خود را با آمریکایی‌ها برقرار سازند، این مسئله آنها را به‌عنوان رهبران سیاسی، کارفرمایان، دانشمندان، هنرمندان و ورزشکاران به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. (همان)

جوزف نای در چارچوب همین نگرش، نتیجه برنامه جذب دانشجو را این‌گونه عنوان می‌کند:

ایده‌ها و ارزش‌های آمریکا به اذهان بیش از نیم میلیون دانشجوی خارجی که هر ساله در دانشگاه‌های آمریکا تحصیل می‌کنند، صادر می‌شود و سپس آنها به کشورهای خودشان برمی‌گردند و تمایل دارند که جزو نخبگان قدرت قرار گیرند. (Nye, 2004: 13)

درواقع در این فرآیند همان‌گونه که نای اشاره دارد یک نخبه از کشور هدف جذب نخبه دیگری از کشور طراح سبک زندگی می‌شود تا اقداماتی را انجام دهد.

بخشی از این آموزش‌ها از مسیر تدوین متون آموزشی دانشگاهی به‌ویژه در حوزه‌های علوم انسانی، برنامه تبادل دانشجو و همکاری و برنامه‌های مشترک آکادمیک است. از این‌رو جورجیان بر این باور است که همکاری مشترک بین دانشگاه‌های آمریکا و دانشگاه‌های منطقه‌ای (عربی و اسلامی) می‌تواند به هر دو طرف کمک کند و ارزش‌های مشترک را ارتقا دهد. در واقع چنین مشارکتی می‌تواند از سطح دبیرستان آغاز شود. (Djerejian, 2003: 34 - 35) در مورد توجیه اقتصادی اجرای برنامه‌های آموزش و تربیت کشورهای هدف که با صرف هزینه‌های کلانی همراه است نیز چنین گفته می‌شود که:

می‌توانیم بی‌هیچ ملاحظه‌ای بگوییم، تبادلات آموزشی، بیش از سرمایه‌گذاری صورت گرفته، به‌دست می‌آورد. این نه تنها منطقی است، بلکه اقدامی زیرکانه محسوب می‌شود. (ساننشاین، ۱۳۹۲: www.psyop.ir)

جوزف نای با ذکر نمونه از نخبگان شوروی سابق، میزان اثربخشی افراد تربیت‌شده در آمریکا را چنین توصیف می‌کند:

در سال ۱۹۵۸ آمریکایی‌ها و شوروی‌ها یک برنامه مبادله بسیار محدود را به مذاکره گذاشتند و تقریباً ۵۰ نفر که هر یک راه خود را می‌رفتند در آن شرکت داشتند. مقامات دولت آمریکا بسیار نگران بودند کسانی که حضور دارند مبدا از عوامل ک. گ. ب باشند و از این دست نگرانی‌ها، یکی از نمایندگان شوروی فردی بود به نام الکساندر یاکولف؛^۱

1. Alexander Yakovlev.

او در دانشگاه کلمبیا به همراه پروفیسوری به نام دیوید ترومن^۱ که یکی از برجسته‌ترین نمایندگان پلورالیزم بود، تحصیل می‌کرد. یاکولف از این ایده‌ها حمایت کرد و در نظام بروکراسی کشور خود بالا رفت و هنگامی که نسل گورباچف به قدرت رسید، او در کانون توجه گورباچف قرار داشت و شکل‌گیری دو سیاست پرستوریکا^۲ و گلاسنوست^۳ را موجب شد. چه بازگشت سرمایه‌ای! گرچه دو دهه به طول انجامید. (نای، ۲۰۱۰)

به این ترتیب نخبگان ایرانی با طی دوره‌های رایگان آموزشی در خارج از کشور و باور به الگوهای جدیدی از سبک زندگی در حوزه فرهنگ و اقتصاد که مسئولیت توسعه و ترویج آن را برعهده دارند، برای پیاده‌سازی و اجرای اصلاحات مدنظر به کشور خود عزیمت می‌کنند. در غالب موارد این افراد با شعار رفرم سیاسی و مبارزه با فسادهای موجود با فضای حاکمیت سیاسی خود وارد می‌شوند.

۳. تغییر باورهای جامعه

پیشتر بیان شد که جوزف نای در الگوی قدرت نرم خود از دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم نام می‌برد که بر دو رکن تکیه دارند: «نخبگان و افکار عمومی». وی در گام دوم از تأثیرگذاری بر افکار عمومی سخن گفته و ثمره این شیوه را به‌عنوان روشی غیرمستقیم، تغییر در حکومت یک کشور می‌داند. (همان) در همین چارچوب نماینده سفارت آمریکا در تهران، ۲۹ مرداد ۱۳۵۸ در نامه‌ای به وزارت امور خارجه این کشور، پیشنهاد می‌کند تا به واسطه آژانس ارتباطات بین‌المللی از شیوه‌های فرهنگی در جهت مدیریت افکار عمومی جامعه ایران استفاده کند و برای رفع جو ضدآمریکایی در بین مردم و رهبران مذهبی انقلاب ایران بر حقوق بشر آمریکایی تأکید کنند. (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۶: ۱ / ۶۸) مهمترین نکته در این خصوص آن است که چگونه باورهای اجتماعی در جامعه، از طریق دیپلماسی عمومی یک قدرت خارجی و پیگیری آن از سوی طیف خاصی از نخبگان داخل کشور محقق می‌شود.

یک. ایجاد جذابیت

افکار عمومی در یک جامعه زمانی سبک جدیدی را می‌پذیرد که شیوه و الگوی تازه آمده دارای مؤلفه‌ای به نام جذابیت باشد. همین مؤلفه، شهروندان یک کشور را وادار می‌کند تا از سبک زندگی خود اعراض کرده و الگوی جدید را در سطح بالاتر ببینند و از آن پیروی نمایند. درواقع جذابیت، ارائه تصویری مطلوب‌تر از سبک زندگی است که با کمک رسانه‌ها و دیپلماسی عمومی بر روی مخاطبین کشور هدف

1. David Truman.
2. Perestroika.
3. Glasnost.

اجرا می‌شود. شاید به همین دلیل جوزف نای در عصر اطلاعات، جذابیت ایالات متحده را برای رسیدن به نتایج مورد انتظار بسیار حیاتی قلمداد می‌کند. (Nye, 2004: 133) وی معتقد است:

تصویر یا جذابیت یک کشور، ترکیبی از نگاه شهروندان سایر کشورها در سطوح و انواع مختلفی است ... ایالات متحده به همان اندازه که برای پیشرفت تکنولوژیکی و علمی تحسین می‌شود که برای موسیقی، فیلم و تلویزیون تحسین می‌شود. (Ibid: 35)

به عبارت دیگر اینکه جذابیت دارای دو رکن اصلی است: نخست وجود برتری و نقطه قوت در کشوری که سبک جدیدی را ترویج می‌دهد اعم از عرصه‌های اقتصادی، نظامی یا فرهنگی که در این میان برتری فرهنگی اثربخشی عمیق‌تری در پی دارد.^۱ دوم توانایی برای نمایش این توانمندی‌هاست. چنانچه کشوری در حوزه دیپلماسی عمومی و رسانه دچار کاستی و ضعف باشد، برای توسعه و ترویج سبک زندگی در میان شهروندان خود و سایر کشورها با مانع بزرگی روبرو خواهد بود. برای نمونه در دهه‌های گذشته فیلم‌های آمریکایی به‌عنوان ابزار قدرت نرم تلاش کرده‌اند تا جذابیت‌های ایالات متحده را به شهروندان سایر کشورها منتقل کنند؛ تصویری که از نمایش تمام واقعیت جامعه آمریکایی غفلت می‌کند و در عوض با مهارت‌های فنی و بصری، جامعه‌ای ایده را به تصویر می‌کشد. به باور نای این امر «باعث شده است که ایالات متحده برای دیگران هیجان‌انگیز، عجیب و غریب، غنی و قدرتمند، و در منتهای برتری از لحاظ مدرنیته و نوآوری به نظر برسد». (Ibid: 12) به تعبیر مقام معظم رهبری:

[آمریکایی‌ها] سعی می‌کنند با تبلیغات، با فعالیت‌های رسانه‌ای، هیبت و شوکت استکبار را به رخ جوان‌ها بکشند؛ زرق‌وبرق آنها را در چشم اینها جلوه بدهند؛ تلخی‌ها و تاریکی آنها را پنهان کنند ... وقتی که زرق‌وبرق دشمن در چشم مخاطبین ملت‌های دیگر مثل ملت ما [در سابق]، جلوه می‌کند، وقتی هیبت و شوکت دروغین دشمن به رخ چشم‌ها کشیده می‌شود، نتیجه‌اش در میدان سیاسی، ترس از دشمن است؛ در میدان فرهنگی، خضوع در مقابل دشمن و خودکم‌بینی در مقابل دشمن است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۶/۳۰)

دو. سیاه‌نمایی در مورد الگوی حاکم

در کنار معرفی پرجاذبه سبک زندگی نوآمده، ارائه تصویری ناکارآمد از الگوی زندگی مستقر موجب می‌شود

۱. هم‌چنان که مقام معظم رهبری در خصوص اهمیت فرهنگ در مقایسه سایر حوزه‌ها فرمودند: «فرهنگ از اقتصاد هم مهم‌تر است. چرا؟ چون فرهنگ، به‌معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس می‌کنید، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد». (۱۳۹۳/۱/۱)

تا افکار عمومی نسبت به داشته‌های خود سرخورده و ناامید گردد و برای تغییر در شیوه‌های زیستن با عزم و اراده بیشتری وارد صحنه شود. تصور ناتوانی مدل زندگی حاکم در شرایطی تقویت خواهد شد که به دلیل وجود برخی کاستی‌ها و نواقص موجود، جریان حامی تغییر از داخل و خارج کشور، با بزرگ‌نمایی و انعکاس اغراق‌آمیز معضلات و مشکلات، آن را نتیجه انسداد در سبک زندگی موجود و مدیریت برآمده از آن معرفی می‌نمایند. چنان‌که رهبر معظم انقلاب فرمودند:

من می‌بینم بعضی از کتاب‌ها را که صهیونیست‌ها یا آمریکایی‌ها یا اروپایی‌ها می‌نویسند. فیلم می‌سازند، کتاب می‌نویسند برای اینکه بدروغ یک نقطه تاریکی را در انقلاب و در حرکت ملت ایران و در ارکان انقلاب وانمود بکنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۶/۳۰)

به همین سبب دولت آمریکا از نخستین ماه‌های پیروزی انقلاب اسلامی برای پیگیری این هدف رادیو «صدای آمریکا» موسوم به VOA را با کمک مقامات لندن راه‌اندازی کرد؛ به طوری که در یکی از اسناد لانه جاسوسی آمده است:

زبان ایرانی روی موج کوتاه؛ روابط عمومی صدای آمریکا در اواسط ماه مارس شروع به کار خواهد کرد. با B.B.C تماس گرفته شده که آنها اجازه دهند، صدای آمریکا یک ساعت از موج متوسط آنها در جزیره مسیرا (نزدیک سواحل عمان) استفاده کنند که اختصاص به فرستادن اخبار و رویدادهای ایران از فرستنده بریتانیا خواهد بود ... شما می‌توانید با نفوذ خود در رادیوی صدای آمریکا استفاده کرده و از راه تأکید بیشتر روی مشکلات مهم آنها و بازگو کردن علل آن عکس‌العمل سریعتری بر روی اعمال مقاوم و متقابل نشان دهید. من می‌دانم این صدا کاری ناچیز است، ولی اثر روان‌شناسی فوق‌العاده‌ای دارد. (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۸۶: ۱/۱۱۶)^۱

سه. تلاش برای بازطراحی سبک زندگی

در این شرایط به تدریج مردمی که تصویر سیاهی از مدل زندگی خود می‌بینند و با الگوی جدیدی مواجه هستند، خواهان مشارکت در آن خواهند بود. این همراهی شهروندان در دو بعد مادی و فکری است: در بعد مادی، ظواهر زندگی، پوشش، مواد مصرفی و حتی در برخی موارد الگوی خواب و بیداری با الگوی زندگی جدید منطبق خواهد شد. در بعد فکری و ذهنیات شاهد اثراتی به مراتب عمیق‌تر خواهیم بود؛

۱. در سند دیگری آمده است که «به درخواست گروه کاری، ونس [وزیر خارجه آمریکا] از وزیر امور خارجه [انگلیس] دیوید اون، خواسته تا با بی بی سی میانجیگری کند، تا اجازه دهند یک ساعت از موج متوسط (پخش استاندارد) برای پخش اخبار و نظرات راجع به ایران از یک فرستنده انگلیسی در جزیره مسیرا (سواحل عمان) استفاده کند». (دانشجویان پیرو خط امام، ۱۳۸۶: ۱/۲۰۳)

«آذهان و قلب‌های» بخشی از جامعه ضرورت تغییر در شیوه زندگی را حتمی و ضروری قلمداد کرده و برای طراحی مدل جدیدی از زندگی، خواسته‌ها، آرمان‌ها و مطلوبیت‌های جدیدی را تعریف می‌نماید. هرچند سرعت و گستره این فرآیند در جوامع مختلف، متفاوت است اما در بلندمدت، شاهد تغییرات عمیقی در سطح زندگی فردی و اجتماعی افرادی هستیم که خود را با سبک زندگی جدید تطبیق می‌دهند و برای اجرای کامل آن تلاش می‌کنند. البته ذکر این نکته ضروری است که نخبگان همسو نیز در ترویج و توسعه شیوه زندگی نقش قابل توجه داشته و برای فراگیر شدن آن در سطوح مختلف فعالیت می‌کنند. در همین چارچوب نای گمان می‌کند که جامعه ایران، در مسیر یک تغییر بنیادین است و بر ضرورت پرهیز از قدرت سخت علیه ایران تأکید کرده و می‌گوید:

من با هرگونه استفاده نابجای غرب از قدرت سخت علیه ایران مخالفم. اگر غرب از قدرت سخت علیه حکومت ایران استفاده کند نسل جوان ایرانی را از مسیر کنونی منحرف ساخته و به سمت حکومت سوق می‌دهد. در حال حاضر تغییرات فرهنگی و اجتماعی داخل ایران برای درازمدت، در جهت صحیح در حال حرکت است. اگر روند تحولات کنونی در ایران ادامه پیدا کند نظام دینی برای حفظ اعتبار خود روزبه‌روز با دشواری‌های بیشتری مواجه خواهد شد و بیش‌ازپیش مجبور به استفاده از زور خواهد بود. من بر این باورم که اگر تغییرات فرهنگی و اجتماعی مطلوب غرب در ایران اتفاق بیفتد در نهایت، این رژیم تغییر خواهد کرد. (مؤسسه ایرانی مطالعات اروپا و آمریکا، ۱۳۹۴: ۱۰/۲۰)

تغییر باورهای اجتماعی از مجاری دست‌کاری ذواتی، به تعبیر بنیادین در نظام ارزشی جامعه ایران منتهی می‌گردد، به‌صورتی که گویی افراد وارد دنیای متفاوتی شده و تعلق خاطر آنان تغییر خواهد کرد؛ مقدسات و اصول ارزشی آنها تعریف تازه‌ای پیدا می‌کند. این امر در بسیاری از موارد به قطبی شدن جوامع منجر می‌شود؛ چراکه دو نظام ارزشی در جامعه تولیدشده که هریک بر مبنای سبک زندگی خود، چارچوب‌ها و خطوط قرمزی را برای خود تعیین می‌نماید.

۴. انتخاب نخبگان همسو

پس از ظهور سبک جدیدی از زندگی در یک جامعه، گروه‌هایی از شهروندان برای پیگیری تحقق این الگو، به طیفی از نخبگان که در افکار، آرمان‌ها و مطالبات همسو و هم‌فکر هستند، متمایل می‌شوند. البته در بیشتر موارد بازیگران خارجی هم برای معرفی نخبگان یادشده به جوامع، جهت ترویج سبک زندگی مدنظر به این عرصه وارد می‌شوند. هم‌چنان که ادوارد جرجیان نحوه مداخله آمریکا در کشورهای اسلامی را چنین توصیف می‌نماید:

تحولاتی که ما طرفدار آن هستیم می‌توانند تأثیر عمیقی بر جوامع عربی و اسلامی داشته باشند ... با سیاست‌های مؤثر و دیپلماسی عمومی ما می‌توانیم میانجی‌گری میان‌روهای بومی و اصلاح‌طلبان را در درون این جوامع تقویت کنیم. وظیفه کلی این است که افراط‌گرایان را کنار بگذاریم. (Djerejian, 2003: 17)

همچنین در راهبرد امنیت ملی آمریکا، در مورد این شیوه مداخله که از آن به‌عنوان «حمایت از پیش‌برندگان تغییر» یاد شده است، سخن به میان آمده است:

آمریکا در موقعیتی منحصربه‌فرد قرار دارد و به‌طور معمول انتظار می‌رود این کشور به حمایت از تغییر دموکراتیک صلح‌آمیز بپردازد. ما همچنان به بسیج حمایت بین‌المللی برای تقویت و گسترش هنجارهای جهانی حقوق بشر ادامه خواهیم داد. ما از زنان، جوانان، جامعه مدنی، روزنامه‌نگاران و کارآفرینان به‌عنوان «پیش‌برندگان تغییر» حمایت می‌کنیم. (سند راهبرد امنیت ملی آمریکا، ۲۰۱۵: ۱۹)

پیگیری مطالبات از رژیم سیاسی مستقر، از مجرای خواسته‌های جدید افکار عمومی و با حمایت طیفی از نخبگان خواهد بود که در نقش دیگری به‌عنوان اپوزیسیون فعالیت می‌کنند. در این فرآیند بدون ایجاد خشونت‌های اجتماعی و یا فشار مستقیم خارجی جهت تحقق خواسته‌ها، چهره‌های برجسته جریان اپوزیسیون به روند انتخابات وارد شده و با رأی اکثریت مردم، مجوز حضور در نهادهای کلیدی و تصمیم‌گیر - همچون پارلمان - به دست می‌آورند. به عبارت دیگر اینکه نخبگان تربیت شده با تأکید بر سبک زندگی جدید، افکار عمومی را با خود همراه کرده و با تمسک به رأی این بدنه اجتماعی در سمت‌های کلیدی قرار می‌گیرند. چنان‌که در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی برخی از چهره‌های شبه‌لیبرال که مقامات آمریکایی از آنها به‌عنوان عناصر میانه‌رو نام می‌بردند، همین مأموریت را برعهده داشتند.

۵. سیاست‌گذاری‌های جدید برای تغییر مسیر رژیم سیاسی

پس از ورود نخبگان جدید به مراکز تصمیم‌گیر رژیم سیاسی، نسل جدیدی از قوانین در چارچوب سبک زندگی موردنظر طراحی، تصویب و اجرا می‌شوند. بخش عمده این قوانین جدید در حوزه آموزش، فرهنگ و مقررات اجتماعی، هنجارهای گذشته جامعه را در فرآیندی میان‌مدت تغییر می‌دهند. در واقع تغییرات هویتی در نخبگان و توده مردم، موجب می‌شود تا ارزش‌های اجتماعی جدیدی برای قانون‌گذاری و اجرای سیاست تعریف شوند؛ که این به‌معنای استحاله کامل یک رژیم سیاسی است. هر چند ممکن است که مخالفین این فرآیند برای جلوگیری از آن مقاومت کنند اما تا زمانی که گفتمان حاکم نتواند جذابیت‌ها و مطلوبیت‌های سبک زندگی خود را به افکار عمومی منتقل کند، قادر نخواهد بود تا در مقابل شیوه جدید

مقاومت قابل توجهی داشته باشد، در نهایت پس از مدتی در سبک جدید زندگی هضم خواهد شد. در گام نهایی، علاوه بر نظام باورها و اعتقادات، رفتار و عملکرد رژیم سیاسی، و در پی آن ماهیت یک سیستم سیاسی به طور کامل تغییر کرده و در واقع رژیم دیگری پا به عرصه حاکمیت می‌گذارد. چنان که مقام معظم رهبری به مقوله «نفوذ جریانی» اشاره کرده و فرمودند:

نفوذ جریانی، یعنی شبکه‌سازی در داخل ملت ... افراد را جذب کنند، دور هم جمع کنند؛ یک هدف جعلی و دروغین مطرح کنند و افراد مؤثر را؛ افرادی که می‌توانند در جامعه اثرگذار باشند، بکشانند به آن سمت مورد نظر خودشان. آن سمت مورد نظر چیست؟ آن عبارت است از تغییر باورها، تغییر آرمان‌ها، تغییر نگاه‌ها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، تحت تأثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر می‌کند؛ یعنی کاری کنند که شما همان جوری نگاه کنی به مسئله که یک آمریکایی نگاه می‌کند - البته یک سیاستمدار آمریکایی، به مردم آمریکا کاری ندارد - همان جوری تشخیص بدهی که آن مأمور عالی‌رتبه سیا تشخیص می‌دهد؛ در نتیجه همان چیزی را بخواهی که او می‌خواهد. بنابراین خیال او آسوده است؛ بدون اینکه لازم باشد خودش را به خطر بیندازد و وارد عرصه بشود، شما برای او داری کار می‌کنی؛ هدف این است، هدف نفوذ این است؛ نفوذ جریانی؛ نفوذ شبکه‌ای؛ نفوذ گسترده؛ نه موردی. اگر این نفوذ نسبت به اشخاصی انجام بگیرد که اینها در سرنوشت کشور، سیاست کشور، آینده کشور تأثیری دارند، شما ببینید چه اتفاقی می‌افتد؟ آرمان‌ها تغییر پیدا خواهند کرد، ارزش‌ها تغییر پیدا خواهد کرد، خواسته‌ها تغییر پیدا خواهد کرد، باورها تغییر پیدا خواهد کرد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۴ آذرماه ۱۳۹۴ در دیدار با فرماندهان گردان‌های بسیج)

دو نکته کلیدی در مورد این فرآیند آن است که اولاً روند تحولات نسبتاً بطئی و زیرپوستی است نگرش، باورها، رفتار و کنش اجتماعی افراد و جریان‌های دخیل در آن به آرامی تغییر پیدا می‌کند؛ چراکه اساساً تغییر سبک زندگی فرآیندی زمان‌بر و تا حدودی طولانی است. دوم اینکه برخلاف مواردی چون منازعات اجتماعی و جنگ‌های داخلی، این فرآیند با کمترین میزان کشمکش و خشونت به سرانجام خواهد رسید.

نتیجه

پیشتر بیان شد که به دلیل بطئی بودن فرآیند تغییر سبک زندگی، تحلیل‌گران سیاسی و متخصصین حوزه امنیت کمتر به این مسئله به مثابه یک عامل راهبردی و امنیتی می‌نگرند. به همین دلیل در این مقاله تلاش شد تا به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که «نسبت میان تغییر سبک زندگی با تغییر رژیم

سیاسی چیست و چگونه دولت آمریکا از مجرای دست‌کاری در الگوی زندگی ایرانیان، تغییر نظام سیاسی ایران را دنبال می‌کند؟». این پژوهش در چارچوب تقسیم‌بندی جوزف نای از قدرت نرم با تأکید بر نخبگان جامعه که به‌عنوان روش مستقیم از آن یاد می‌شود و افکار عمومی که نای آن را روش غیرمستقیم می‌نامد، شش گام را برای تغییر نظام سیاسی با استفاده از تغییر الگوی زندگی آن تعریف می‌نماید:

- طراحی برنامه‌ای جامع برای ارائه الگویی جدید است که از سوی یک بازیگر خارجی و تحت عناوینی چون دیپلماسی عمومی، تغییر رژیم از داخل، و یا ترویج ارزش‌های جهانی انجام می‌شود. الگویی جدید، سبک زندگی موجود را به تدریج به چالش کشیده و به‌عنوان نسخه جایگزین به نخبگان و افکار عمومی معرفی شود.

- نخبگان گزینش شده جوامع هدف در دوره‌هایی چون «برنامه‌های ابتکار رهبران جوان» در خارج از کشور شرکت می‌کنند، این نخبگان آموزش دیده برای بسترسازی و تغییر ذائق در قالب شعارهای چون «رفرم سیاسی و مبارزه با فساد» به کشور خود باز می‌گردند.

- باورهای اجتماعی و نظام ارزشی در یک جامعه نیز به وسیله دیپلماسی عمومی قدرت‌های خارجی و پیگیری آن از سوی طیف خاصی از نخبگان داخلی تغییر می‌کند. تغییر ذائق و جذابیت‌های سبک زندگی جدید، شهروندان یک کشور را ترغیب می‌کند تا از الگوهای پیشین خود اعراض کرده و سبک جدید را در سطح بالاتر ببینند و از آن پیروی نمایند. این همراهی شهروندان در دو بعد مادی و فکری است: در بعد مادی، ظواهر زندگی، پوشش، مواد مصرفی دگرگون شده و در بعد فکری، «آذهان و قلب‌های» بخشی از جامعه ضرورت تغییر در شیوه زندگی را فوری و حتمی قلمداد می‌نماید.

- در گام بعد، گروه‌هایی از شهروندان برای پیگیری تحقق این سلايق و ذائق جدید، به طیفی از نخبگان که در افکار، آرمان‌ها و مطالبات همسو و هم‌فکر هستند، متمایل می‌شوند.

- پیگیری مطالبات از رژیم سیاسی مستقر، از مجرای خواسته‌های جدید افکار عمومی و با حمایت طیفی از نخبگان خواهد بود که در نقش دیگری به‌عنوان «اپوزیسیون یا جریان تغییر» فعالیت می‌کنند. چهره‌های برجسته جریان اپوزیسیون به روند انتخابات وارد شده و به‌دلیل محبوبیت با رأی اکثریت مردم، مجوز حضور در نهادهای کلیدی به‌دست می‌آورند.

- پس از ورود نخبگان جدید به مراکز تصمیم‌گیر رژیم سیاسی، نسل جدیدی از قوانین در چارچوب سبک زندگی مورد نظر طراحی، تصویب و اجرا می‌شوند. بخش عمده این قوانین جدید در حوزه آموزش، فرهنگ و مقررات اجتماعی، هنجارهای گذشته جامعه را در فرآیندی میان‌مدت تغییر می‌دهند؛ دگرگونی در هویت نظام سیاسی از طریق بازتعریف نظام ارزشی آن همگام با سازوکارهای قانونی به‌معنای استحاله کامل یک رژیم سیاسی است.

البته توان و ظرفیت سبک زندگی حاکم بر مناطق جغرافیایی مختلف در مقابل شیوه‌های رقیب، بسیار متفاوت است؛ در برخی موارد الگوهای زیست جوامع مقاومت کمتری از خود نشان داده و در فرآیند کوتاه‌تری جای خود را به سبک زندگی جدیدالورود می‌دهند اما در مقابل برخی شیوه‌های زندگی همچون سبک زندگی ایرانی - اسلامی به دلیل عمق و پیچیدگی‌های فرهنگی به سادگی تسلیم سبک زندگی مهاجم نخواهند شد و در بحرانی‌ترین شرایط مدل زندگی افراد در این گونه جوامع ترکیبی از مؤلفه‌های سبک جدید و قدیم زندگی خواهد بود؛ در این سنخ از جوامع گرچه تغییر رژیم سیاسی محقق نمی‌شود اما وضعیت نسبی حاکم بر آن، موجب می‌شود تا دولت‌های مستقر در تلاطم‌های نشئت‌گرفته از سبک زندگی جدید و موجود گرفتار شوند.

بهترین شیوه برای عبور از این گونه مخاطرات امنیتی در جامعه، توجه به خرده قرائت‌های رقیب و به چالش کشیدن آنها، تبیین هرچه بیشتر جذابیت‌های سبک زندگی ایرانی - اسلامی برای افکار عمومی به‌ویژه نسل جوان جامعه است. اما در شرایطی که الگوی رقیب، در صحنه پرتوان حاضر شود، ابتدا بایستی بر روی تربیت نسل جدیدی از نخبگان سرمایه‌گذاری نمود و به موازات آن برای بازتاب نقاط ضعف سبک زندگی رقیب به افکار عمومی برنامه‌ریزی کرد. در هر صورت مهم‌ترین اقدام در این جهت، به تعبیر رهبر معظم انقلاب این گونه است:

تبیین حقیقت از زبان‌های مختلف، از حنجره‌های مختلف، با تعبیرات مختلف، با ابتکارات مختلف ... جهاد تبیین را جدی باید گرفت. همه، در حوزه، در دانشگاه، در صداوسیما بالخصوص، در مطبوعات، در هر جایی که شما ایستاده‌اید و یک شعاع پیرامونی‌ای دارید و می‌توانید روی آن اثر بگذارید، باید تبیین انجام بگیرد؛ تبیین درست، تبیین صحیح. (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۰/۱۰/۱۹)

منابع و مأخذ

۱. آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۴، بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج، وبسایت پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله العالی)، تاریخ: ۱۳۹۴/۹/۴، قابل دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech_content?id=31519
۲. آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی، ۱۴۰۱، بیانات در دیدار پیشکسوتان و فرماندهان دفاع مقدس، وبسایت پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله العالی)، قابل دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech_content?id=50986

۳. آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی، ۱۴۰۱، بیانات در دیدار مردم قم، وبسایت پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله العالی)، تاریخ: ۱۹/۱۰/۱۴۰۱، قابل دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech_content?id=51707

۴. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، *اسناد لانه جاسوسی آمریکا*، ۱۳۸۶، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

۵. ایزدی، فؤاد، ۱۳۹۰، «ساختارشناسی و هدف‌شناسی دیپلماسی عمومی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در زمان جرج دبلیو بوش»، *فصلنامه مطالعات جهان*، دوره اول، ش ۱، ص ۱۷۳ - ۱۲۷.

۶. خانی، حسین، ۱۳۹۴، «تحلیل جامعه‌شناسی مفهوم سبک زندگی در تمدن‌های غربی و اسلامی»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۵، ش ۱، ص ۱۶۰ - ۱۴۵.

۷. دهشیار، حسین، ۱۳۸۱، *سیاست خارجی آمریکا و هژمونی*، تهران، نشر خط سوم.

۸. سانشاین، تارا، ۱۳۹۲، «چگونه دیپلماسی عمومی به امنیت آمریکا کمک می‌کند؟»، وبسایت مشرق، تاریخ: ۱۳۹۲/۴/۳۰، قابل دسترسی در: www.mashreghnews.ir/fa/news/184808

۹. سند راهبرد امنیت ملی آمریکا، ۲۰۱۵، *متن کامل سند راهبرد امنیت ملی آمریکا، کاخ سفید*، ترجمه وبسایت مشرق، تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۱۱/۱۸، در: www.mashreghnews.ir/fa/news/387313

۱۰. عبداللهیان، حمید و آیدا حسینی‌فر، ۱۳۹۱، «تحلیلی بر بازنمایی ایدئولوژی و سبک زندگی در کتاب‌های آموزش زبان اینترچنج»، *مطالعات فرهنگ و ارتباطات*، سال سیزدهم، ش ۲۰، ص ۶۰ - ۳۵.

۱۱. مهدوی‌کنی، سعید، ۱۳۸۶، «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، سال اول، ش ۱، ص ۲۳۰ - ۱۹۹.

۱۲. مؤسسه ایرانی مطالعات اروپا و آمریکا، ۱۳۹۴، *واکاوی نقش بریتیش کانسیل به‌عنوان بازوی فرهنگی بریتانیا در جهان و ایران*، تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۱۰/۲۰، قابل دسترسی در:

<http://eurica.ir/modules/smartsection/item.php?itemid=251>

۱۳. نای، جوزف. اس، ۱۳۹۰، *آینده قدرت*، ترجمه رضا مراد صحرائی، تهران، حروفیه.

۱۴. نای، جوزف، ۲۰۱۰، *قدرت نرم و دیپلماسی عمومی در قرن ۲۱*، ترجمه وبسایت مشرق‌نیوز، متن سخنرانی در جلسه آغازین پارلمانی شورای انگلستان، ۲۰ ژوئن ۲۰۱۰، قابل دسترسی در:

<https://www.mashreghnews.ir/news/7074>

15. Brown, Katherine and Hensman, Chris and Bhandari, Palak, 2015, *Comprehensive Annual Report on Public Diplomacy and International Broadcasting*, Advisory Commission on Public Diplomacy, the Department of State.

16. Djerejian, Edward P. 2003, *Changing Minds Winning Peace*: a new strategic direction for us public diplomacy in the Arab & Muslim world, Report of the Advisory Group on Public Diplomacy for the Arab and Muslim World, Submitted to the Committee on Appropriations us house of representatives.
17. Knight, W. Andy, 2014, *Challenges to US Hegemony*, Keynote address to the LIRDS think tank, Georgetown, Guyana, 11 April 2014.
18. Leonard, Mark and Andrew Small and Martin Rose, 2005, *British Public Diplomacy in the 'Age of Schisms*, The Foreign Policy Centre.
19. Rothman, Steven B., 2011, *Revising the soft power concept*: what are the means and mechanisms of soft power, Journal of Political Power, Vol. 4, No. 1.
20. Pratkanis, Anthony, 2009, "Public Diplomacy in International Conflicts: A Social Influence Analysis", *Routledge Handbook of Public Diplomacy*, Edited by Nancy Snow Philip M. Taylor, by Routledge: Taylor & Francis Group.
21. Schulte, Gregory L., 2013, *Regime change Without Military Force*: Lessons From Overthrowing Milosevic, Prism: A Journal of the Center for Complex Operations, IV, No 2.
22. Sheehan, Ivan Sascha, 2014, *What Is "Regime Change From Within?"*, Unpacking the Concept in the Context of Iran, Digest of Middle East Studies, Vol 23, No. 2, P. 385 – 403.
23. Rugh, William, 2016, *American soft power and public diplomacy in the Arab world*, Palgrave Communications, DOI: 10. 1057 / palcomms, 2016, 104.
24. Nye, Joseph S., 2004, *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, Public Affairs.